

تأملی در کتاب‌شناسی مولوی

دکتر یدالله نصراللهی*

چکیده

شناخت هرچه بهتر مولوی منوط به آشنایی با کتاب‌شناختی آثار مربوط به اندیشه این شاعر بنام ایرانی است. بدین منظور این مقاله می‌کوشد که پس از طرح اهمیت شناخت کتاب‌شناسی نگاشته شده در مورد مولوی و شناخت اندیشه او برای پژوهشگران حوزه علوم انسانی به نمونه‌ای از کتاب‌شناسی‌های مولوی که تاکنون نگاشته شده است بپردازد.

در این میان نگارنده به دو نمونه از کتاب‌شناسی مولوی اشاره می‌کند که یکی توسط «محمت اوندور» در سال ۱۳۵۰ ه. ش. با عنوان کتاب‌شناسی مولانا نگاشته شد و دیگری توسط خانم «ماندانا صدیق بهزادی» که در همان سال به نام کتابنامه مولوی به چاپ رسید و پس از سال ۱۳۸۰ با افزوده‌های بیشتر و با نام کتاب‌شناسی مولوی مرکز نشر دانشگاهی آن را تجدید چاپ کرد. این کتاب حاوی نقاط قوت و ضعفی است که نگارنده می‌کوشد به آنها اشاره کند.

کلیدواژه: کتاب‌شناختی، کتاب‌شناسی مولوی، کتابنامه مولوی، محمت اوندور، ماندانا صدیق بهزادی.

وجود کتاب‌های مرجع و آثار کتاب‌شناختی دقیق و جامع در زمانه ما که پژوهشگر بیش از گذشته با گرفتاری‌ها و تنگنای زمان و فراغت دست به گریبان است، از ضرورت‌های اساسی تحقیق و پژوهش به ویژه در حوزه علوم انسانی است. شاید گزاره نباشد اگر بگوییم حجم گسترده‌ای از پژوهش‌های تکراری که نتایجی جز همان گفته‌ها و دریافت‌های محققان سلف را در جامه‌ای نو و گاه پرزرق و برق جلوه می‌دهند، ناشی

*. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان. Email: y_sasr@yahoo.com

از کمبود همین آثار کتاب‌شناختی جامع و دقیق است؛ البته همانند که برخی به اصطلاح پژوهشگران امروزه حتی اگر از وجود پژوهش‌های پیشین هم آگاهی داشته باشند، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی سالک طریقی‌اند که پیش از او رهرویی به خود ندیده است.

با وجود پژوهش‌های قابل‌اعتنایی که درباره مولوی و آثار وی، چه از جانب فارسی‌زبانان و چه از سوی مشتاقان غیرفارسی‌زبان، انجام گرفته است و به ویژه نظر به اقبال سال‌های اخیر به این خورشید منظومه ادب و عرفان ایرانی، کمبود «کتاب‌شناسی مولوی» به روشنی احساس می‌شود. البته سابقه تألیف و نشر کتاب‌شناسی مولوی به حدود سی و شش سال پیش می‌رسد؛ در سال ۱۳۵۰، به مناسبت سالروز درگذشت مولانا، «محمّد اوندور» محقق ترکیه‌ای، اثری دو جلدی با عنوان کتاب‌شناسی مولانا تدوین و منتشر کرد که جلد نخست آن به معرفی مقالات و آثار درباره مولوی می‌پردازد و جلد دوم آن نیز به معرفی در نسخه‌های خطی آثار مولوی اختصاص یافته است.^۱ در همان سال ۱۳۵۰، سرکار خانم ماندانا صدیق بهزادی نیز کتابی مختصر و کم‌حجم با عنوان کتابنامه مولوی تدوین و منتشر کرد. اگرچه حجم مولوی پژوهی آن سال‌ها به میزان امروز نبوده است، با این حال بسیاری از تحقیقات پیرامون مولوی، از سوی مؤلف ارجمند نادیده گرفته شده بود؛ به ویژه تحقیقات قابل‌توجهی که در شبه‌قاره هند، ترکیه و اروپا چاپ و منتشر شده بود.

به عنوان یکی از دست‌اندرکاران مولانا، همت سرکار خانم صدیق بهزادی ستودنی است که پس از سی سال از چاپ نخستین اثر کتاب‌شناسی مولوی به زبان فارسی، بار دیگر با درک ضرورت وجود یک کتاب‌شناسی پربارتر و روزآمد، به رونق مولوی‌پژوهی در این دیار خدمت کرده‌اند.

کتاب‌شناسی مولوی^۲ در چهار بخش تدوین یافته است؛ بخش نخست به کتاب‌های فارسی، اردو، ترکی قدیم و عربی می‌پردازد؛ بخش دوم به تحقیقات منتشره به زبان‌های لاتین اختصاص دارد؛ بخش سوم مقاله‌ها را پوشش می‌دهد؛ و در بخش چهارم نسخه‌های خطی فهرست می‌شوند.

بخش نخست این اثر از چند فصل تشکیل شده است؛ ابتدا از چاپ‌های مثنوی؛ متن کامل و گزیده‌ها، و تحقیقات مربوط به آن یاد شده است؛ بدین ترتیب که مثنوی‌های چاپی را براساس تاریخ انتشار معرفی می‌کند، سپس شروع و تفاسیر پیرامون این مثنوی‌ها را از کتاب گرفته تا پایان‌نامه‌های تحصیلی دانشجویان، گرد می‌آورد. در

فصل دیگری از بخش نخست، دیوان شمس [کلیات شمس]، متن کامل و گزیده‌ها و تحقیقات مربوط به آن، نقل می‌شود و پس از آن رباعیات و آثار مثنوی مولوی و چاپ‌های مختلف آنها یاد می‌شوند.

بی‌آنکه قصد عیب‌جویی در میان باشد و یا بخواهیم ارزش والای همت مؤلف ارجمند را نادیده بگیریم، نکاتی را یادآور می‌شویم و به عنوان فردی که بهره‌های بسیار از این اثر برگرفته، بهتر می‌دانیم چنانچه مورد پذیرش مؤلف واقع شد، در چاپ‌های بعدی اثر لحاظ شود.

- فصل چهارم اثر که مختص «فرهنگ‌ها، کشف اللغات، کشف المطالب و کشف الایات» است، می‌تواند در کنار مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی استاد فروزانفر، دیگر اثر ارزشمند وی، احادیث مثنوی را نیز در خود جای دهد.

- در فصل «ج» که عنوان «تحقیقات درباره دیوان شمس» دارد، تحقیقات مربوط به «مقالات شمس تبریزی» نیز درج شده است. به عنوان مثال، اولین تحقیق مدخل را عیناً نقل می‌کنیم:

۷۲۷- آذر یزدی، مهدی. اصل موضوع و دوازده حکایت دیگر... (براساس مقالات شمس) دوره راهنمایی.

حتی در ذیل همین فصل، خود کتاب مقالات شمس با چاپ‌های مختلف آن فهرست شده است.

- در بخش دوم؛ «درباره مولانا و شرح حال او»، کتاب باغ سبز عشق از محمدعلی اسلامی ندوشن، ذکر شده است؛ در حالی که این کتاب گزیده مثنوی است، و منطقاً می‌بایست در بخش نخست که مربوط به مثنوی است قرار گیرد.

- در همین بخش، پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد، اثر عبدالحسین زرین‌کوب که درباره حکیم نظامی گنجوی است و ربطی با مولانا و اندیشه‌های او ندارد، ذکر شده است، در حالی که شایسته بود در همین بخش از دیگر آثار ارزشمند زرین‌کوب درباره مولوی نظیر: سرّ نی و بحر در کوزه یاد می‌شد و نیز جستجو در تصوف ایران را ذکر می‌کردند که دو بخش از آن، «دنیای مولانا جلال‌الدین» و «شعر صوفیه بعد از مولانا» مستقیماً به بحث مربوط می‌شود.

- در همین بخش، می‌تواند تاریخ ادبیات در ایران اثر گران‌سنگ ذبیح‌الله صفا نیز درج شود، در حالی که فقط به گنج سخن وی اکتفا شده است. همین طور شایسته است که از مکتب حافظ منوچهر مرتضوی نیز یاد شود، چرا که بخشی از این کتاب با عنوان «عشق از نظر مولانا» به موضوع این بخش مربوط است.

- گاهی نیز یک اثر به دو نفر منسوب شده است. درست است که گاهی بنا به تنگناهای سیاسی و... ممکن است یک اثر با نام مستعار مؤلفی منتشر شود، ولی یادآوری این که در هر دو چاپ مؤلف واقعی چه کسی است، مفید خواهد بود و یا این که باید ذکر شود که دو نفر، مقاله‌ای با یک عنوان نگاشته‌اند. از باب نمونه در ص ۱۲۱، مولانا جلال‌الدین هگل شرق است به «امامی ب نوروز» منسوب شده است و در ص ۱۲۹، همان اثر از «احسان طبری» دانسته شده است.

- در بخش مقاله‌ها نیز گاهی آثاری ارزشمند نادیده انگاشته شده‌اند. مثلاً دو مقاله ارزشمند از تقی پورنامداریان با عناوین، اسباب و صور ابهام در غزلیات شمس و شهود زیبایی و عشق الهی که در نامه فرهنگستان و مجله فرهنگ چاپ شده‌اند شایسته توجه‌اند. جای خالی مقام انسان در عرفان ایران از محمدرضا شفیعی کدکنی که در مجله یغما، سال ۱۳۵۳ چاپ شده است نیز احساس می‌شود.

مؤلف محترم می‌تواند با مراجعه به برخی از دایرةالمعارف‌های معتبر خارجی زبان، حجم قابل توجهی از آثار مربوط به مولوی پژوهی را به چاپ بعدی اثر خود بیافزایند؛ در این میان نگاهی به Index Islamicus بدون تردید سودبخش خواهد بود. در کنار این، بازخوانی مجدد آرشیوها و فهرست کتاب‌های کتابخانه‌های بزرگ و معتبر از جمله کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به‌ویژه در مورد آثار خارجی خالی از فایده نخواهد بود.

با افزودن نمایه‌های مفهومی و... به کتاب‌شناسی مولوی، فواید بیشتری نصیب محققان و مراجعه‌کنندگان خواهد شد. رجوع و استفاده از فهرست مقالات فارسی ایرج افشار، جدای از بهره‌دهی مواد و مطالب آن درباره مولوی، می‌تواند به لحاظ شیوة تنظیم و تدوین اثر نیز راهگشا باشد.

بی‌شک یادآوری این چند نکته، در کنار ارزش‌های بی‌شمار «کتاب‌شناسی مولوی» و خدمتی که به مولوی‌پژوهی و مباحث مرتبط با آن خواهد کرد، بی‌ارج کردن کوشش‌های ستودنی مؤلف ارجمند نخواهد بود که «گر خطا گفتم تو اصلاحش بکن».

پی‌نوشت‌ها

۱. مشخصات این اثر ارزشمند که نگارنده در حال ترجمه آن به فارسی است به قرار زیر است:
Mehmet Önder, Mevlâna Bibliyografyası, Türkiye is Bankası Kültür yayınları.
۲. کتابشناسی مولوی، تدوین و تنظیم دکتر ماندانا صدیق بهزادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.